

مهمترین عامل خودکشی یا ادامه مبارزه در طبقه کارگر چیست؟

قوانین کار در ایران جمهوری اسلامی یکی از عقب مانده‌ترین قوانین کار در سطح بین‌المللی است. با این وجود هر گاه پای منافع این یا آن شرکت‌های خودی به میان آید هیچ یک از بندهای همین قوانین عقب مانده نیز اجرا نمیشود. در چنین شرایطی منافع این یا آن شرک مشخص، تبدیل به قانون می‌گردد. این را حتی دولتیان نیز اقرار می‌کنند. «نیروی کار در کشور که گاه به اندازه گرفتن حداقلی‌ترین حقوق خود هم اعتبار و قدرت ندارد، آنجا که پای منافع به میان می‌آید، همه‌ی قوانین به حاشیه می‌روند و خواسته‌ی پر قدرت‌ها و پرنفوذها خود قانون می‌شود.» (ایلنا - دنیای اقتصاد - کد خبر: ۳۹۲۴۲۶۹)

پرنفوذها با استثمار بی حد کارگران و خروج ثروتی که آن‌ها تولید می‌کنند، این طبقه زحمتکش کشور را به فقری غیر قابل تحمل سوق میدهند

فرهاد احتشام‌زاده، رئیس هیأت مدیره فدراسیون واردات ایران در ۲۱ فروردین ۱۳۹۷ از فرار ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه کشور در طول مدت ۴۰ سال خبر میدهد. (گزارش شهروند) در واقع پرنفوذها سالی بیست میلیارد دلار عصاره جان کارگران را به بیرون از مرزهای ایران می‌پاشند. فقط «در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، دستکم ۹۷ میلیارد دلار سرمایه از ایران خارج شده است.» (رادپو فردا - قرائت: ۲۶ دسامبر ۲۰۲۳)

حال ببینیم کارگران ایران که چنین ثروت‌های عظیمی را تولید می‌کنند خود در چه شرایطی به سر می‌برند:

ردیف	شرح	مقدار (ماهانه) ریال
۱	حداقل دستمزد با مبنای ۳۰ روز	۵۳,۰۸۲,۸۴۰
۲	بن کارگری	۱۱,۰۰۰,۰۰۰
۳	حق مسکن	۹,۰۰۰,۰۰۰
۴	(حق اولاد) برای هر فرزند	۵,۳۰۸,۲۸۴
۵	(پایه سنوات) به شرط داشتن یک سال سابقه کار	۸۰,۴۹۱,۱۲/۴
جمع	حداقل مزد و مزایای ماهانه کارگران در ایران	۸۰,۴۹۱,۱۲/۴ تومان

مأخذ: تا شماره ۵ از سایت استخدام - قرائت: ۲۵ دسامبر ۲۰۲۳

اگر قیمت دلار را ۴۹۸۰۰ تومان در نظر بگیریم (۵ دی ۱۴۰۲)، کل حداقل مزد و مزایای ماهانه هر کارگر مساویست با ۱۶۱,۶۳ دلار در ماه. به بیان دیگر حداقل مزد یک کارگر ایرانی در هر ساعت ۵۴ سنت آمریکائی (۰,۵۴ دلار) است. هجده سنت کمتر از یک کارگر پاکستانی و ۳۱ سنت کمتر از یک کارگر افغانستانی است.

به طور متوسط، حداقل مزد ماهانه یک کارگر افغانستانی ۲۶۳,۲۰ دلار است. حدود ۱۰۰ دلار در ماه بیشتر از یک کارگر ایرانی. (اطلاعات پایه‌ای از سایت <https://azhich.ir/business-in-afghanistan>)

این در شرایطی است که بالاترین حداقل دستمزد ماهانه در لوکزامبورگ ۵۴۹۹ دلار میباشد، یعنی ۲۲/۱۷ دلار در ساعت.

با این آمارها میشود تقریباً دقیق و قابل لمس ارزش نیروی کار، شرایط اجتماعی کار و شرایط کارگران صنعتی و غیر صنعتی کشورمان را در سطح بین‌المللی و داخلی دریافت. دولت ایران آگاهانه و به صورت لایحه تصویب شده در مجلس شورای اسلامی، اخبار را جعل شده (که "ضد انقلاب" نتواند از آن "سوء استفاده کند") منتشر میکند. با این وجود از همین اطلاعات جعلی میتوان به طور نسبی واقعیات را دریافت.

بر مبنای گفتار آقای مهدی پازوکی اقتصاددان نرخ تورم بهمن ماه ۱۴۰۱، ۴۷,۷ درصد بوده است ولی نرخ تورم نقطه به نقطه بهمن ماه ۱۴۰۱ را ۵۳,۴ درصد ارزیابی میکند.

تحت تأثیر چنین تورم بالائی، سفره کارگران و زحمتکشان کشور ما در عرض یک سال به بیش از ۱۰۰ درصد تقلیل یافته است: «در سالی که دولت سیزدهم روی کار آمد، نرخ دلار در بازار آزاد ۲۴ هزار و

۵۰۰ تومان بود، اما قیمت دلار هم‌اکنون بالای ۵۲ هزار تومان است. قیمت بهترین برنج کیلویی ۳۰ هزار تومان بوده، اما این عدد هم اکنون در سفره خانوار ۱۳۰ هزار تومان شده است. روغن ۵ کیلویی ۵۰ هزار تومان بوده، اما این روغن بالای ۳۵۰ هزار تومان است. سکه ۱۲ میلیون تومان بوده که الان ۳۲ میلیون تومان شده است.» (خبر آنلاین - ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۲)

از جانب دیگر چنین تورم بالائی ارزش مزد کارگران را نیز بیش از ۱۰۰ درصد نقصان می‌دهد. با این نقصان باید مواد غذایی مورد احتیاج را با قیمت ۱۰۰ درصد گرانتر تهیه نمایند.

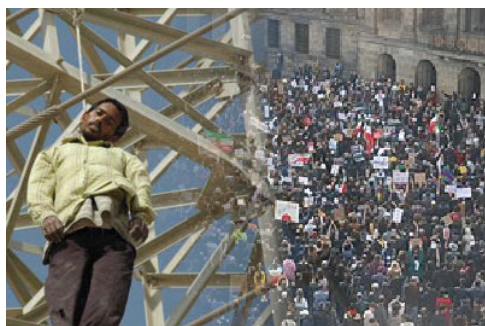
آنچه که در مورد تورم گفته شد فقط گریبان کارگران و زحمتکشان ایران را نمی‌گیرد بلکه بر سود کارخانجات کوچک و متوسط در ایران نیز تأثیر می‌گذارد. این کارخانجات برای نجات خود از تورم موجود تا میتوانند بر استثمار کارگران میافزایند و در عین حال از پرداخت همان دست مزد تعیین شده نیز سرباز می‌زنند.

این شرایط دردناک و ایدئولوژی و سیاست حاکم بر جنبش کارگری باعث گشته است پیش پای زحمتکشان ایران دو راه گشوده شود:

۱- خودکشی.

۲- مبارزه برای ادامه حیات.

۱- خودکشی:



خودکشی کارگران تابع شرایطی است که اگر همه جانبه بررسی نگردد، راه برون رفت از این معضل نیز خود را آشکار نمی‌سازد.

خودکشی، بدون در نظر گرفتن زمینه آن؛ شغلی، عشقی، اجتماعی و...، در لحظه‌ای صورت می‌گیرد که فرد، همه راه‌ها را برای نجات از معضلی که بر دست و پایش پیچیده است بسته می‌بیند، تنها یک بی راهه میماند؛ پایان دادن به زندگی و راحت شدن همیشگی از آن معضل.

معمولاً کارگرانی خودکشی می‌کنند که دارای خانواده هستند. درد و رنج ناشی از فقر و سرآشوب به سوی مرگ تدریجی اعضای خانواده، باعث می‌شود که پس از تلاش‌های عظیم نان آور خانواده برای بهبود شرایط زندگی خانواده‌اش و شکست این تلاش‌ها، به مرگ روی آورد تا شاهد مرگ تدریجی عزیزانش نباشد.

«روز پنجشنبه سی آذر، دو تن از کارکنان پتروشیمی چوار ایلام به دلیل اخراج از محل کار از طریق حلق آویز کردن دست به خودکشی زدند. وضعیت عمومی این شهروندان وخیم گزارش شده است ... با احتساب این دو کارگر طی مدت کمتر از دو سال، شش کارگر این پتروشیمی دست به خودکشی زده اند.» (خبرگزاری هرانا - قرائت: ۲۶ دسامبر ۲۰۲۳)

اساس و بنیان تاریک دیدن آینده، مسدود دیدن همه راه‌ها و ایده فرار از جلوی مشکلات به جای مبارزه با آن‌ها، عمدتاً در ایدئولوژی و سیاست حاکم بر جنبش کارگری نهفته است. فشار اقتصادی رژیم عامل خارجی درجه دوم است. اگر این ایدئولوژی و سیاست علیه رژیم و در دفاع از مبارزات کلیه اقشار مترقی جامعه سمت گیری نکند و گام به گام فقط با طرح خواست‌های معیشتی عقب نشینی کند و انرژی کارگران را برای دفاع از کل مبارزات مردم آزاد نسازد و راه رفاه و آزادی را در این سمت نشان ندهد، فقط فکر طبقه را روی خواست‌های معیشتی متمرکز سازد، چون فشار دائم‌التزاید رژیم فاشیستی ایران

بر معیشت کارگران است و آن را هر لحظه تنگتر میکند، ضعیف‌تری کارگران را در زندان نجات خود و خانواده محصور می‌کند و چون همه راه‌ها غیر از این بیراهه وجود ندارد، او را به سوی بی‌آیندگی و مرگ میکشاند، به سوی خودکشی، به فرار از معضل به جای مبارزه برای حل معضل و دادن هزینه در این راه.

لذا ایدئولوژی و سیاست حاکم بر جنبش کارگری در ایستادگی کارگران برای حل معضل و یا فرارشان به سوی مرگ نقش تعیین کننده‌ای دارد.

۲- مبارزه برای ادامه زندگی:

طبقه کارگر قادر به ادامه یک زندگی شایسته نخواهد بود، اگر به عنوان یک طبقه اجتماعی با دیگر طبقات مترقی در مبارزه علیه سرمایه‌داری و خواست‌های دمکراتیک خودش و اقشار دیگر متحد نشود، اگر تنها بماند، اگر از دیگر طبقات مترقی جامعه منزوی گردد، انرژی بی‌نهایت‌اش آنچنان در خودش منجمد می‌شود که حتی قادر به مبارزه معیشتی نیز نخواهد شد.

طبقه کارگر ایران علاوه بر سنت مبارزه ۱۵۰ ساله، در جنبش ۱۴۰۱ آنچنان بالندگی و نوسازی ایدئولوژیک - سیاسی از خود نشان داد که در رأس مبارزات کارگران جهان قرار گرفت. در آن ماه‌ها، هر چه کارگران بیشتر با اقشار مترقی جامعه پیوند برقرار می‌کردند، هر چه بیشتر از خواست‌های دمکراتیک آن‌ها پشتیبانی می‌کردند، هر چقدر با مماشات و سازشکاری درون خود، مبارزه طبقاتی را بی‌رحمانه جلو می‌بردند، به دستاوردهای اقتصادی - سیاسی و اجتماعی بیشتری نائل می‌آمدند و رژیم را مجبور به عقب نشینی می‌کردند.

از آن روزی که بخش نه چندان اندک کارگران در مقابله با نفوذ اندیشه‌های خرده بورژوازی در درون طبقه خودش عقب نشینی کردند، انقلاب ژینائی را پذیرفتند، جلوی به اصطلاح شعار "زن، زندگی، آزادی" سرخم کردند و هر اندازه در بیانیه‌های خود از خواست‌های اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی کمتر پشتیبانی به عمل آوردند، عقب نشینی خود در مقابل رژیم را نیز تسریع کردند، کار تا به امروز رسیده است. مبارزه، مبارزه ولی فقط معیشتی، فقط گرفتن مزدی که بین کارگر و سرمایه‌دار تعیین شده است. این یک خط ایدئولوژیک - سیاسی است که عقب نشینی تا کنونی جنبش کارگری در مقابل رژیم فاشیستی ایران را باعث گردیده است.

مثلاً به درخواست‌های کارکنان رسمی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری توجه کنیم: اعتراض کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در مراکز عملیاتی نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های زیر است:

- حذف کامل سقف حقوق

- حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی

- عودت کسورات مازاد مالیات

- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی

- عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت

این خواست‌ها هیچ انگیزه‌ای برای پشتیبانی همه جانبه و تمام و کمال اقشار غیر پرولتری ولی مترقی، از کارگران به وجود نمی‌آورد. رژیم محدودیت بیشتری اعمال میکند و کارگران در انفراد کامل رها میشوند. ایده نجات گروه به نجات فردی کشیده میشود و زمینه مادی و ذهنی خودکشی فراهم می‌آید

وقتی ما از عقب نشینی صحبت می‌کنیم، منظورمان عدم مبارزه بخش‌های مختلف این طبقه نیست، بلکه منظورمان عدم مبارزه سیاسی طبقاتی این طبقه و پشتیبانی بی‌چون و چرایش از مبارزات محقانه اقشار و گروه‌های مترقی، زندانیان سیاسی و... است. خطی است که خرده بورژوازی برای جلوگیری از اروج

طبقه کارگر به عنوان طبقه و انقلابی‌ترین طبقه در مبارزه علیه رژیم فاشیستی ایران، در مقابل خط پرولتری لنینی، قرار می‌دهد. لنین این خط را اکونومیستی مینامد.

امروزه کارگران مبارزه اقتصادی خود را تشدید کرده‌اند. این امر خوبی است ولی مبارزات سیاسی عمومی و اجتماعی خود را کاسته‌اند. این امر بسیار بدیست.

طبقه کارگر با پا نهادن در تمام میدان‌های مبارزه اعم از معیشتی، سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی در کل جامعه، در پشتیبانی بی چون و چرا و همه جانبه از خواست‌های دمکراتیک مردم متری و دخالتگری روشن و آشکار در پروسه مبارزات اقتصادی – سیاسی تمام اقشار متری جامعه و طرد اپوزیسیون ارتجاعی است که شادابی خود را باز می‌یابد، به عقب نشینی خود خاتمه می‌دهد و تهاجم آشکار و میلیونی خود را در پیش می‌گیرد. طبقه کارگر به تنهایی نه تنها به سوسیالیسم نمی‌رسد بلکه در همین نظام سرمایه‌داری نیز میماند و مجبور به تن دادن به شرایط دردناکتری می‌گردد. برای رسیدن به سوسیالیسم طبقه کارگر باید با متحدین خود متحد شود و برای این اتحاد باید در میدان مبارزه آن‌ها نیز پا گذارد، مبارزه ایدئولوژیک – سیاسی را برای تصفیه صفوف آنها با قاطعیت طبقاتی پرولتری پیش ببرد تا هوای مسموم به هوای تازه و لطیف تبدیل گردد و سرمایه‌داری را در اتحادی دیرپا با دیگر زحمتکش‌ان و آزادیخواهان متری به خاک بسپارد و سوسیالیسم را بنا نهد.

خوشبختانه تعدادی از تشکلات کارگری، با ترمز عقب نشینی طولانی و برداشتن گامی تهاجمی علیه رژیم جمهوری اسلامی، امید تهاجم گسترده کل طبقه را در دل‌ها زنده ساخته است.

در «بیانیه تشکلهای کارگری و اجتماعی علیه اعدام‌ها و سرکوبگریهای حکومت»، چنین آمده است: «بکارگیری طناب دار این ابزار قتل عمد دولتی، سیاستی کثیف و خطرناک است که هدف مستقیمش مرعوب کردن ما مردم است. باید با قدرت اتحاد سراسری مبارزاتی مان جلوی حرکت این ماشین سرکوب و جنایت را بگیریم.

ما امضا کنندگان این بیانیه در کنار خانواده‌های دادخواه اعدام شدگان و جانبازان انقلاب زن زندگی آزادی بر توقف فوری اعدام‌ها تاکید داریم.

علاوه بر اعدامها حکومت از دیگر ظرفیتهای سرکوبگرانه اش استفاده میکند و پاسخ هر اعتراضی با تهدید و زندان و اخراج داده میشود. از جمله ماشین پرونده سازی‌های امنیتی، احضار کردن‌ها و حکم دادن‌ها با سرعت در حرکت است و در این یکساله کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، خانواده‌های دادخواه و فعالین اجتماعی بسیاری بخاطر اعتراضاتشان احکام زندان، اخراج و تبعید گرفته‌اند. اما اتحاد و همبستگی مردم در مقابل همه شیوه‌های سرکوب حتی یک لحظه متوقف نشده است.»

این بیانیه قدرت متحد کردن تمام مردمان ستم دیده و سرکوب شده را دارد. این بیانیه نه فقط از حقوق و مزد بلکه از آزادی زندانیان، از شنیع بودن شکنجه و اعدام، از مبارزه تا به آخر نیز صحبت میکند. این بیانیه گام مؤثریست در تهاجم مجدد طبقه کارگر علیه رژیم فاشیستی – مذهبی جمهوری اسلامی ایران و در هم شکستن روحیه و ایدئولوژی خودکشی.

نظم کمونیستی

15.01.2024